

# SID



سرویس های ویژه



سرویس ترجمه تخصصی



کارگاه های آموزشی



بلاگ مرکز اطلاعات علمی

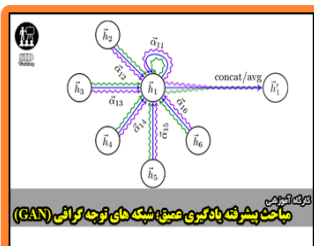


عضویت در خبرنامه



فیلم های آموزشی

## کارگاه های آموزشی مرکز اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی



مباحث پیشرفته یادگیری عمیق؛  
شبکه های توجه گرافی  
(Graph Attention Networks)



کارگاه آنلاین آموزش استفاده از  
وب آو ساینس



کارگاه آنلاین مقاله روزمره انگلیسی



نخستین همایش ملی واژه‌پژوهی در علوم اسلامی



## First National Conference On Lexicology in Islamic Sciences

گروه الهیات دانشگاه یاسوج - ۳۰ اردیبهشت ۱۳۹۵

### واکاوی تطور معنایی «ضرب و مشتقات آن»

(با تأکید بر قرآن و روایات اسلامی)

محمدرضا شاهرودی

استادیار دانشکده الهیات و معارف اسلامی دانشگاه تهران

زهرا بشارتی

دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث دانشگاه علامه طباطبایی، پست الکترونیک [mrs.besharati@yahoo.com](mailto:mrs.besharati@yahoo.com)

### چکیده

تطورات معنایی واژه‌ها در طول زمان که امری غیرقابل اجتناب است، گاه موجب انحراف از معنی اصلی کلمات در متونی می‌شود که قبل از ما قرار داشته‌اند. از این رو، لازمه فهم صحیح متون دینی اسلام نیز، واکاوی دقیق کلمات و مشتقات آن، حسب اقتضای زمانی و موقعیتی آنهاست. از جمله این موارد می‌توان «ضرب و مشتقات آن» را که امروزه معنای متبادر و اصلی آن زدن است، در زمره واژگانی دانست که از رهگذر تأمل در کاربردهای قرآنی و روایی و نیز موارد استعمال آن در زبان عرب، دچار تطور معنایی شده است. بر این اساس معنای عام اقدام کردن و انجام دادن هر عمل در قالب مصادیق گوناگونی چون آوردن و ارسال، سیر و حرکت به قصد سفر، تجارت و جهاد در راه خدا، جعل (قرار دادن)، تشبیه و نصب، وجوب و الزام و ... برای کاربرد مطلق (بدون حرف اضافه) این واژه و مشتقات آن در دوران نزول قرآن مطرح بوده است. این در حالی است که «ضرب» در آن عصر تنها به همراه حرف جر "ب" در معنای زدن با وسیله و ابزاری خاص استعمال شده است.

**کلمات کلیدی:** ضرب، تطور معنایی، قرآن، روایات اسلامی، اقدام کردن

## طرح مساله

فهم صحیح آموزه‌های دینی از اهمیت مضاعفی برخوردار است چراکه فهم اصطلاحات دینی صرفاً به شناخت یک واژه منتهی نمی‌شود بلکه هر یک از آنها بخشهایی از یک مجموعه هدایتی هستند که فهم هر یک در فهم دیگری مؤثر است. از جمله روش‌هایی که جهت فهم واژگان در یک متن کهن مورد استفاده قرار می‌گیرد، واکاوی تطور واژگان با بهره‌گیری از معنی‌شناسی در زمانی و همزمانی واژگان است. معناشناسی در زمانی رویکردی است که در آن به مطالعه تغییراتی می‌پردازند که در گذر زمان بر واحدهای زبانی رخ می‌دهد. این در حالی است که معناشناسی همزمانی روشی است که در آن می‌توان معنای واحدهای نظام زبان را در یک مقطع زمانی بررسی کرد. (روبینز، ۱۳۸۴ش، ص ۴۱۸). با عنایت به روش‌های مذکور می‌توان تغییر معنی واحدهای نظام زبان را نیز مطالعه نمود. برای این کار دو مطالعه همزمانی معنی را که به لحاظ زمانی با یکدیگر فاصله دارند، مقایسه می‌کنند (صفوی، ۱۳۹۱ش، ص ۱۸).

بر این اساس می‌توان روش فوق (مقایسه دو مطالعه هم‌زمانی معنی) را جهت فهم صحیح آموزه‌های دینی که به سبب نقش هدایتی خویش از اهمیت مضاعفی برخوردار هستند، به کار بست و معنی واژه را در دوران نزول قرآن و یا صدور متن دینی از معصوم (ع) و یا دوره‌های نزدیک به آن با معنی آن در دوران معاصر مقایسه نمود. یکی از این موارد واژه «ضرب و مشتقات آن» در قرآن و روایات اسلامی است که به سبب کاربردهای گسترده این واژه در سیاق‌های مختلف و با حروف اضافه گوناگون معانی گوناگونی را در متون متعلق به دوره نزول قرآن پذیرفته است. بر این اساس پژوهش حاضر با تامل در قرآن، روایات و زبان عرب به این پرسش کلیدی که: «مدلول «ضرب و مشتقات آن» در قرآن و روایات اسلامی چیست؟» پاسخ داده است.

### "ضرب" از منظر لغت‌شناسان

معنای اصلی "ضرب" در لغت‌نامه‌های کهن عربی، "انجام دادن هرکاری" است. فراهیدی (۱۷۵ق)، این مفهوم را به‌عنوان اولین و اصلی‌ترین معنای "ضرب" با عبارت "يقع علی جميع الاعمال" آورده است. او سپس به بیان کاربردهایی از این معنای عام و کلی، در زبان عرب پرداخته و معانی سیر و حرکت<sup>۱</sup>، کسب و اخذ، طلب رزق، منع کردن و... را برای آن بیان کرده است.<sup>۲</sup> (فراهیدی، ۱۴۰۹ق، ج ۷، ص ۳۰-۳۱) با توجه به معنای اصلی بیان شده برای "ضرب" مبنی بر انجام دادن هر عملی، معنای ارایه شده برای کاربردهای مختلف آن را می‌توان به نوعی "اقدامی عملی" در نظر گرفت. این در حالی است که در میان هیچ‌یک از معانی ذکر شده برای "ضرب" (بدون حرف اضافه) در این لغت نامه معنای "کتک زدن" مشاهده نمی‌شود. صاحب بن عباد (۳۸۵ق) به معنای "يقع علی اعمال کثیره" برای ضرب اشاره کرده و سپس به بیان مصادیق آن در ظروف و سیاق‌های مختلف پرداخته است (صاحب بن عباد، ۱۴۱۴ق، ج ۸، ص ۱۰). صاحب کتاب اصلاح المنطق ضمن ارایه معنای گوناگون "ضرب"، آن را (بدون حرف اضافه) به معنای ابتغاء (کسب کردن) دانسته است. (ابن سکیت، ۱۹۴۹م، ج ۱، ص ۳۸). ابن فارس (۳۹۵ق) با آوردن کاربردهایی از "ضرب فی الارض" در قرآن این معنا را جزء معنای اولیه‌ی ضرب ذکر کرده و معنای گوناگون دیگری را البته بدون ذکر معنای "کتک زدن" برای ضرب یاد کرده است. (ابن فارس، ۱۴۰۴ق، ص ۳۹۸-۳۹۹). زمخشری (۵۸۳ق)، ابن منظور (۷۱۱ق) و فیومی (۷۷۰ق) هم، اکثر معنای گوناگون "ضرب" را که فراهیدی در کتاب العین آورده، مدنظر قرار داده ولی معنای "کتک زدن" در میان معنای ذکر شده توسط ایشان مشاهده نمی‌شود. (زمخشری، ۳۷۳)؛ (ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۱، ص ۵۴۳-۵۴۹؛ فیومی، ۱۴۱۴ق، ج ۲، ص ۳۵۹).

از دیگر سو در کتاب‌های لغت معاصر برخلاف لغت‌نامه‌های کهن، معنای اول و اصلی "ضرب" "زدن" شده است. در فرهنگ ابجدی، "ضرب" زدن با شمشیر یا عصا معنا شده و پس از ذکر معنای "زدن" به عنوان اولین و اصلی‌ترین معنای "ضرب" به معنای گوناگون دیگر آن هم اشاره شده است. (بستان، ۵۶۸) معنای اصلی "ضرب" در قاموس قرآن "زدن"

معرفی شده، با این تفاوت که به شمشیر و عصا اشاره‌ای نشده و "زدن با دست" مطرح شده است. البته معانی دیگر "ضرب" نیز در این لغت‌نامه مورد توجه قرار گرفته است. (قرشی، ۱۴۱۲ق، ج ۴، ص ۱۷۵).<sup>۳</sup>

با توجه به آنچه از اقوال لغویان به دست می‌آید، می‌توان "ضرب" را از جمله واژگانی دانست که با گذشت زمان تطور معنایی پیدا کرده است. لغویان متقدم هم چون فراهیدی، "ضرب" را انجام دادن هر عملی از جمله حرکت و مسافرت و کسب روزی در زمین، معنا کرده و آن را بدون حرف اضافه "ب" به معنای "زدن" ندانسته‌اند؛ درحالی‌که با گذشت زمان معنای "زدن" برای "ضرب" مبدل به اولین و اصلی‌ترین معنای این واژه شده است. به نظر می‌رسد آنچه باعث شده "ضرب" در آیه ۳۴ سوره نساء به معنای قطعی "کتک‌زدن" در نظر گرفته شود، توجه به معنای معاصر این واژه است. درجایی که کهن‌ترین لغت‌نامه‌ها، از معنای آن با عبارت "يقع علی جميع الاعمال" تعبیر کرده‌اند. بنابراین با توجه به این معنا "ضرب"، بدون حرف اضافه به معنای انجام دادن است و واقع شدن "ضرب" معادل وقوع هر عملی می‌تواند باشد.

با عنایت به اقوال لغویان هرگاه "ضرب" با حرف اضافه‌ی "ب" استعمال شود و آنچه بعد از "ب" می‌آید شیء یا آلتی باشد که بتوان از آن برای ضربه وارد کردن استفاده کرد، از ضرب معنای "زدن" برداشت می‌شود. لغویان به ضرب با "عصا"، "مطرق" و "سوط" به عنوان نمونه‌هایی از این معنا اشاره کرده‌اند. ایشان پشم زده شده با مطرق را با عبارت "الصوف يضرب بالمطرق" آورده‌اند. (فراهیدی، ۱۴۰۹ق، ج ۷، ص ۳۳؛ ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۱، ص ۵۴۹). همچنین ضرب با عصا و تازیانه با "ضرب بالعصا و السوط" تعبیر شده است. (شیبانی، ۱۴۱۳ق، ج ۲، ص ۳۳۰) البته نمی‌توان گفت عکس این مطلب همیشه صادق و برقرار است؛ به گونه‌ای که هرگاه "ضرب" با حرف اضافه "ب" به کار رود به معنای زدن باشد.

### کاربردهای "ضرب" در قرآن

وجوه معنایی و کاربردهای گوناگونی از "ضرب و مشتقات آن" در آیات قرآن کریم مشاهده می‌شود. با تأمل در آیات مذکور و اقوال مفسران، بیشترین استعمال ریشه‌ی "ضرب" در قرآن، بدون حرف اضافه و به معنای "آوردن/ارسال" است. این کاربرد از "ضرب" با صورت‌های مفرد و جمع واژه "مثل" هم‌نشین بوده و مفهوم "آوردن و ارسال مثل" از آن برداشت می‌شود. طبرسی ذیل آیه‌ی "إِنَّ اللَّهَ لَا يَسْتَحْيِي أَنْ يَضْرِبَ مَثَلًا مَّ بَعْضُهُ فَمَا فَوْقَهَا ..." (بقره/ ۲۶) به معنای عامی با تعبیر "يقع علی جميع الاعمال" برای "ضرب" اشاره کرده و پس از آوردن معنای "سیر و حرکت در زمین، پرداختن به کسب و تجارت و جهاد در راه خدا"<sup>۴</sup>، ضرب امثال را آوردن و ارسال مثل از جانب خدا می‌داند. (طبرسی، ۱۳۷۲ش، ج ۱، ص ۱۶۳). واضح است که "ضرب امثال" که بیشترین استعمال این واژه را در قرآن به خود اختصاص داده است، نه تنها معنای (کتک) زدن ندارد؛ بلکه آوردن و ارسال مثل، نوعی اقدام عملی با متعلق مثل به حساب می‌آید.<sup>۵</sup> از سویی دیگر معنای "سیر و حرکت" برای "ضرب" با مقاصد مختلف مانند مسافرت، کسب (روزی) و جهاد در راه خدا، پس از مفهوم ارسال و آوردن، بیشترین استعمال این ریشه را در قرآن داشته که این مفهوم نیز بیانگر همان اقدامی عملی است که در محدوده و ظرف زمین قابل انجام است.

نیز "ضرب" از سوی مفسران در آیه‌ی "للفقراء الذين احصروا في سبيل الله لا يستطيعون ضرباً في الارض ..." (بقره/ ۲۷۳) ذهاب و تصرف معنا شده است. (طبرسی، ۱۳۷۲ش، ج ۲، ص ۶۶۶؛ ثعالبی، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، ۱۴۱۸ق، ج ۱، ص ۵۳۰) همچنین بسیاری از مفسران "ضرب" را در آیه‌ی "يا ايها الذين آمنوا اذا ضربتم في سبيل الله فتبينوا ..." (نساء/ ۹۴) سفر و خروج به قصد جهاد در راه خدا تفسیر کرده‌اند. (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۵، ص ۴۱؛ محلی، دیگران، ۱۴۱۶ق، ج ۱، ص ۹۶؛ سمرقندی، بی تا، ج ۱، ص ۳۲۹). براین اساس مفهوم "انعباث"، "اقدام" و "حرکت" به معنایی کلی و عام در ریشه‌ی "ضرب" وجود دارد که با توجه به کاربردهای قرآنی آن، مقاصد مختلفی را مانند مسافرت، کسب و تجارت و جهاد در راه خدا می‌توان برای آن در نظر گرفت. این حرکت، اقدامی عملی است که می‌تواند با رویگردانی از عملی و اقبال به عمل دیگر صورت پذیرد و درحقیقت نوعی اعراض و سپس انتقال به حالتی جدید است.

با عنایت به آیهی "... ضربت علیهم الذله و المسکنه ... " (بقره/۶۱)، معنای "جعل" را می‌توان از دیگر معنای به‌کار رفته در قرآن برای ریشه‌ی "ضرب" دانست. بسیاری از مفسران، "ضرب" در آیه‌ی فوق را به جعل (قرار دادن) تعبیر کرده و "ضربت علیهم الذله ... " را "قرار دادن ذلتی که ایشان را احاطه کند"، معنا کرده‌اند.<sup>۵</sup> (زمخشری، ۱۹۷۹م، ج ۱، ص ۱۴۲؛ شیبانی، ۱۴۱۳ق، ج ۱، ص ۱۵۲؛ ثعلبی، ۱۴۲۲ق، ج ۱، ص ۲۰۶؛ بغدادی، ۱۴۱۵ق، ج ۱، ص ۵۰). هم‌چنین علامه طباطبایی، به معنای تثبیت و نصب، برای "ضرب" در این آیه اشاره کرده است (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۱، ص ۳۳۶).

معنای "الزام و وجوب" نیز از دیگر وجوه معنایی "ضرب" است که مورد توجه بعضی از مفسران در تفسیر آیه‌ی فوق قرار گرفته است. (مقاتل بن سلیمان، ۱۴۲۳ق، ج ۱، ص ۱۱؛ طبرسی، ۱۳۷۲ش، ج ۱، ص ۲۵۶). معنای "وضع و ایجاد" هم که با "جعل" قرابت معنایی دارد و نوعی اقدام عملی به حساب می‌آید از دیگر معنای ذکر شده توسط مفسران برای "ضرب" در قرآن است. به عنوان مثال ابن عاشور در تفسیر آیات "... فَضْرَبَ بَيْنَهُمْ بِسُورٍ لَّهُ بَابٌ بَاطِنُهُ فِيهِ الرَّحْمَةُ..." (حدید/۱۳) و "و قالوا ألهتنا خیر ام هو ما ضربوه لک ... " (زخرف/۵۸) معنای "وضع و ایجاد" را برای ضرب برگزیده است.<sup>۶</sup> (ابن عاشور، بی تا، ج ۲۷، ص ۳۴۶).

همچنین اکثر مفسران از "ضرب" در آیه‌ی "فضربنا علی آذانهم ... " (کهف/۱۱) معنای "منع کردن" را برداشت کرده‌اند. (طبرسی، ۱۳۷۲ش، ج ۶، ص ۶۹۸؛ سمرقندی، بی تا، ج ۲، ص ۳۳۶). البته گروهی دیگر از مفسران "ضرب" را در آیه فوق به معنای "افکندن" تفسیر کرده‌اند.<sup>۷</sup> (کاشانی، ۱۳۳۶ش، ج ۵، ص ۳۲۷؛ ثعلبی، جواهر الحسان فی تفسیر القرآن، ۱۴۱۸ق، ج ۳، ص ۵۱۰؛ ابن کثیر، ۱۴۱۹ق، ج ۵، ص ۱۲۶).

مفسران "ضرب" را همراه با حرف اضافه‌ی "عن" در آیه‌ی "افنضرب عنکم الذکر ... " (زخرف/۵) به معنای "ترک کردن و اعراض" آورده‌اند. (طوسی، بی تا، ج ۹، ص ۱۸۱؛ شیبانی، ۱۴۱۳ق، ج ۴، ص ۳۸۰؛ ابن عاشور، بی تا، ج ۲۵، ص ۲۱۴؛ طبرسی، ۱۳۷۲ش، ج ۹، ص ۶۱؛ طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۸، ص ۸۵) با عنایت به آیه‌ی "و قالوا ألهتنا خیر ام هو ما ضربوه لک..." (زخرف/۵۸) معنای دیگری از ضرب نیز قابل برداشت است. مفسران ذیل آیه‌ی فوق، به معنای "عرضه داشتن"، "به یادآوردن" و "مواجه شدن" برای "ضرب" اشاره کرده‌اند.<sup>۸</sup> (سمرقندی، بی تا، ج ۳، ص ۲۶۲؛ مقاتل بن سلیمان، ۱۴۲۳ق، ج ۳، ص ۵۸؛ طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۸، ص ۱۱۴).

با آنکه در اکثر کاربردهای ماده ضرب از مفهوم "زدن" به معنای متبادر کنونی در زبان فارسی خبری نیست لیک باید پذیرفت که این ماده و مشتقات آن به همراه حرف اضافه‌ی "ب" به معنای زدن با وسیله‌ای مانند عصا و ... در قرآن استعمال شده است. به عنوان مثال، معنای زدن با عصا در آیه‌ی "و اذا استسقی موسی لقومه فقلنا اضرب بعصاک الحجر ... " (بقره/۶۰) برای "ضرب ب ... " مورد اتفاق مفسران است (جرجانی، ۱۳۷۷ش، ج ۱، ص ۹۶؛ طبرسی، ۱۳۷۲ش، ج ۱، ص ۲۵۰) مفسران معنای زدن به وسیله‌ی اعضای بدن را از آیاتی مانند "فقلنا اضربوه ببعضها ... " (بقره/۷۳)، "و لایضربن بارجلهن ... " (نور/۳۱) و "فراغ علیهم ضرباً بالیمین"<sup>۹</sup> (صافات/۹۳) برداشت کرده‌اند که البته در این آیات نیز "ضرب" با حرف اضافه "ب" به‌کار رفته است. ("کاشفی سبزواری، ۱۳۶۹ش، ص ۲۲؛ شیبانی، ۱۴۱۳ق، ج ۱، ص ۱۶۲؛ جرجانی، ۱۳۷۷ش، ج ۱، ص ۱۰۷؛ قمی، ۱۳۶۷ش، ج ۲، ص ۱۰۲؛ طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۷، ص ۲۲۶) هم‌چنین معنای زدن با مجموعه‌ای از چوب یا ساقه‌های درخت و ... در آیه‌ی "خذ بیدک ضغثاً فاضرب به ... " (ص/۴۴) توسط مفسران ارایه شده است. (مقاتل بن سلیمان، ۱۴۲۳ق، ج ۱، ص ۶۴۸؛ طبرسی، ۱۳۷۲ش، ج ۲۱، ص ۱۱۳) بنابراین می‌پذیریم که از جمله کاربردهای "ضرب" در قرآن "زدن" به وسیله‌ی شمشیر، سلاح‌های آهنین و یا تازیانه است.

در این آیات "ضرب" بدون حرف اضافه "ب" استعمال شده اما این سیاق آیه است که معنای زدن با چنین وسایلی را نشان می‌دهد. مفسران نیز ذیل این آیات، حرف اضافه‌ی "ب" را به همراه وسایل مذکور در تقدیر گرفته‌اند و در اقوال ایشان عباراتی مانند "ضرب بالسیف"، "ضرب بمقامع حدید" و ... مشاهده می‌شود. به عنوان مثال مقاتل بن سلیمان هم‌چون بسیاری از مفسران، در تفسیر آیه "فاضربوا فوق الاعناق و اضربوا منهنم کل بنان" (انفال/۱۲) می‌گوید: "اضربوا بالسیف" (مقاتل بن سلیمان، ۱۴۲۳ق، ج ۲، ص ۱۰۴) این تعبیر نشان می‌دهد عبارت "بالسیف" در آیه تقدیر گرفته شده است و مراد

از ضرب در این آیه زدن با شمشیر است که چنین معنایی با توجه به فرائنی از سیاق آیه قابل برداشت است.<sup>۱۳</sup> مفسران در تفسیر آیه "... الملائکه یضربون وجوههم و ادبارهم ..." (محمد/۲۷) نیز عباراتی مانند: "بسیاط، بمقامع حدید و بالسیف" را با توجه به سیاق آیه در تقدیر گرفته‌اند. (جرجانی، ۱۳۷۷ش، ج ۴، ص ۹؛ حقی بروسوی، بی تا، ج ۸، ص ۵۲۰؛ مظهري، ۱۴۱۲ق، ج ۸، ص ۴۳۶؛ طبرسی، ۱۳۷۲ش، ج ۴، ص ۸۴۶؛ حائری تهرانی، ۱۳۷۷ش، ج ۵، ص ۹۸). بنابراین مراد از ضرب در آیه‌ی فوق نیز، زدن با تازیانه یا شمشیر و یا عمودهای آهنین است.<sup>۱۴</sup> در میان آراء مفسران معنای زدن با شمشیر برای "ضرب" در آیه‌ی "فاذا لقیتم الذین کفروا فضرب الرقاب..." (محمد/۴) به وضوح دیده می‌شود. ایشان در این آیه نیز عبارت "بالسیف" را در تقدیر گرفته‌اند و "ضرب" در این آیه را قتل با ضرب شمشیر دانسته‌اند. (مقاتل بن سلیمان، ۱۴۲۳ق، ج ۴، ص ۴۴؛ طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۷، ص ۲۲۵).

با توجه به آنچه از کاربردهای "ضرب" در قرآن به دست می‌آید، هم‌سو با آنچه لغویان متقدم آورده‌اند، وجود معنایی فراگیر نظیر آنچه مفسران با تعبیر: "یفق علی جمیع الاعمال" بیان کرده‌اند را می‌توان برای آن در قرآن مورد تایید قرار داد. بنابراین "ضرب و مشتقاتش" در قرآن به معنای انجام دادن اعمال گوناگونی مانند: سیر و حرکت به قصد مسافرت، کسب روزی، جهاد در راه خدا، آوردن و ارسال، منع کردن، اعراض و ترک کردن، قرار دادن، ایجاد، تثبیت کردن و ... به کار رفته است. براین اساس معنای "حرکت و نوعی اقدام عملی" برای این واژه به طور جدی قابل تصور است.<sup>۱۵</sup>

### کاربردهایی از "ضرب" در روایات

در ادامه بررسی مفهوم واژه ضرب، جا دارد معنای آن در لسان روایات مورد توجه قرار گیرد: "ضرب و مشتقات آن" در روایات به معنای گوناگونی استعمال شده که می‌توان گفت در مفهوم قدر جامع خود برانجام دادن اعمال مختلف دلالت دارد. نمونه ای از این کاربردها، روایتی درباره "ضرب اطفال" است. در این روایت، ابن عمر از پیامبر اکرم (ص) چنین روایت کرده است: "لا تضربوا اطفالکم علی بکائهم فان بکائهم اربعه اشهر شهاده ان لا اله الا الله و اربعه اشهر الصلاه علی النبی (ص) و اربعه اشهر الدعاء لوالدیه." (ابن بابویه، ۱۳۹۸ش، ص ۳۳۱؛ فیض کاشانی، ۱۴۰۶ق، ج ۴، ص ۳۹) این روایت علاوه بر منابع فوق، در کتب حدیثی مختلفی آورده شده و شهرت روایی فراوانی دارد.

در بررسی دلالتی این روایت نکاتی قابل توجه است. نخست آنکه اگر معنای مشهور و متبادر "ضرب" (در زمان معاصر) یعنی زدن برای فهم این روایت مدنظر قرار گیرد، باید آن را این‌گونه ترجمه کرد: "اطفال خود را هنگام گریه کردن نزنید؛ زیرا گریه ایشان در چهارماه [اول]، شهادت بر یگانگی خدا، در چهار ماه [دوم] درود بر پیامبر (ص) و در چهار ماه [سوم] دعا برای والدین است."

دیگر آنکه از آنجایی که در این روایت، پیامبر اکرم (ص) گریه‌ی نوزاد را امری پسندیده و مثبت چون شهادت بر یگانگی خدا، درود بر نبی (ص) و دعا بر والدین دانسته‌اند، باید از بخش اول روایت، مفهوم «عدم جلوگیری از گریه‌ی نوزاد و آرام نکردن او» را برداشت کرد؛ زیرا اگر "ضرب" به معنای زدن استعمال شده باشد، این تصور پیش می‌آید که پیامبر (ص) از والدین خواسته تا برای جلوگیری از گریه کردن نوزاد (یک‌روزه تا یک‌ساله)، او را کتک نزنند و این در صورتی است که گریه‌ی نوزاد با زدن بیشتر می‌شود، بنابراین "ضرب" در این روایت باید چیزی غیر از زدن همچون منع رفتاری و کرداری باشد. با عنایت به برداشت لغویان از ضرب یعنی نوعی واکنش و رفتار، احتمال می‌رود که مراد از ضرب در روایت مذکور، "واکنش عملی نشان دادن" باشد. در این صورت معنای "نسبت به گریه‌ی نوزادتان واکنش نشان ندهید و اقدامی نکنید." برای عبارت "لا تضربوا اطفالکم علی بکائهم" معقول‌تر است و بدین ترتیب هماهنگی معنای صدر و ذیل روایت نیز لحاظ می‌شود.

در روایتی دیگر از حسن عرنی چنین آورده‌اند که مردی به رسول خدا (ص) عرض کرد: "مم أضرب یتیمی؟ قال: مما کنت ضارباً منه ولدک قال فأصیب من ماله؟ قال: بالمعروف غیر متأثل مالا و لا واقٍ ما لک بماله."<sup>۱۶</sup> (سیوطی، ۱۴۰۴ق، ج ۲، ص ۱۲۲)؛ سیوطی این روایت را در الدر المنثور با سند دیگری از طریق ابن حبان از جابر آورده است. از آنجایی که این روایت ذیل آیه‌ی "... و من کان غنیاً فلیستعفف و من کان فقیراً فلیأکل بالمعروف ..." (نساء/۶) در مورد نحوه‌ی سرپرستی

یتیم از نظر مالی و اکل مال آمده است، به نظر می‌رسد در صورت در نظر گرفتن معنای "زدن" برای ضرب، ارتباط میان صدر و ذیل روایت از بین برود؛ در حالی که ذیل آن "رفتار کردن با یتیم از نظر مالی" و سرپرستی او را بیان می‌کند. همچنین روایات زیادی قابل ذکر است که معنای "معروف" در "فلیأکل بالمعروف" را "قرض" عنوان کرده‌اند. (سیوطی، ۱۴۰۴ق، ج ۲، ص ۱۲۰) بنابراین در صورتی که ولی یتیم، فقیر باشد می‌تواند در حد رفع مایحتاج اولیه خود از مال یتیم به عنوان قرض بردارد و نباید از مال او خود را توانگر کند و یا مالش را با مال خودش نگه دارد؛<sup>۱۷</sup> بر این پایه اگر این گفته لغویان مبنی بر اینکه "الضرب يقع علی جمیع الاعمال" مد نظر قرار گیرد، "ضرب" در این روایت به معنای "نوعی اقدام مالی" و یا "همان سرپرستی کردن نزدیک‌تر" است. نتیجه اینکه احتمال می‌رود معنای صدر روایت این گونه باشد: "مردی از پیامبر (ص) پرسید: ای رسول خدا از چه مالی یتیم را سرپرستی کنم؟ فرمود: از همان مالی که فرزندان را سرپرستی می‌کنی." در پایان این بخش تذکر این نکته لازم است که در روایات هم نظیر آیات قرآن ماده ضرب در معنای "زدن" به کار رفته است و این مفهوم در برخی از روایات به چشم می‌خورد. شیخ مفید در الارشاد روایتی از امام علی (ع) آورده که آن حضرت فرمودند: "... ما زلت أضرب بسیفی صیباً حتی صرت شیخاً..." (مفید، ۱۴۱۳ق، ج ۱، ص ۲۸۴) از آن جایی که در این گونه روایات "ضرب" با حرف اضافه "ب" به کار رفته است، از ضرب، معنای "زدن با شمشیر" مراد است و بنابراین باید آن را این گونه معنا کرد: "پیوسته، از کودکی شمشیر زده‌ام تا پیر شدم."

### نتیجه

"ضرب" در قرآن، روایات، و لغت عرب در معانی گوناگونی استعمال شده و بدون حرف اضافه "ب" در معنایی عام و فراگیر نسبت به همه کارها، به کار رفته که به دیگر سخن می‌توان آن را به معنای "انجام دادن یا اقدام کردن" دانست. بنابراین ضرب را باید از جمله واژگانی دانست که با گذشت زمان دچار تطور معنایی شده و در دوره‌های زمانی بعد از قرآن به طور مطلق و بدون حرف اضافه در معنای زدن استعمال شده است. بر این اساس «ضرب و مشتقات آن» در قرآن به معنای گوناگونی چون آوردن و ارسال، سیر و حرکت به قصد سفر، تجارت و جهاد در راه خدا، جعل (قرار دادن)، تثبیت و نصب، وجوب و الزام و ... دانست. این در حالی است که هرگاه "ضرب" با حرف اضافه‌ی "ب" استعمال شود و آنچه بعد از "ب" می‌آید شیء یا آلتی باشد که بتوان از آن برای ضربه وارد کردن استفاده کرد، از ضرب معنای "زدن" برداشت می‌شود. نمونه‌هایی از این کاربرد در قرآن شامل زدن با وسیله‌ای مانند شمشیر، عصا، تازیانه، عمودهای آهنین و ... می‌شود که گاه با عنایت به سیاق آیه از سوی مفسران در تقدیر گرفته شده است.

### پی نوشت

۱. با توجه به اینکه معنای "ضرب فی الارض" در کتاب العین "ذهاب واخذ" است و مفسرانی هم‌چون ابن عاشور حرف جر "فی" را متعلق به فعل "ضرب" نمی‌دانند و از سوی ابن سکیت نیز "ضرب" را بدون حرف اضافه "ابتغاء" معنا کرده است. (ابن عاشور، بی تا، ج ۴، ص ۲۲۵؛ ابن سکیت، ۱۹۴۹م، ج ۱، ص ۳۸) می‌توان "ضرب" را "حرکت به قصد بدست آوردن و اخذ" دانست.
۲. بعضی از کاربردهایی که فراهیدی به آن‌ها اشاره کرده عبارتند از: "ضرب فی الارض، ضرب فی التجاره، الطیر الضوارب، ضرب فلان علی ید فلان".
۳. ابن عاشور با استناد به شعر فرزدق: "ضربت علیک العنکبوت بنسجهها..." ضرب را به معنای ایجاد "بناکردن خانه" می‌داند. (ابن عاشور، بی تا، ج ۲۵، ص ۲۷۶)
۴. ضرب فی الارض، ضرب فی التجاره و ضرب فی سبیل الله.
۵. به نظر می‌رسد اشتراک لفظی واژه "زدن" فارسی بین مفاهیم گوناگون در برداشت مفهوم: "کتک زدن" از ریشه کلمه "ضرب" بی تاثیر نباشد. ملاحظه می‌شود که در فارسی از آوردن مثل و ارایه آن با عبارت مثل زدن تعبیر می‌شود و این زدن خود مصداقی برای مفهوم عمومی اقدام و عمل کردن است.

۶. مفسران هم‌چنین در تفسیر آیه " ... و اضرب لهم طریقاً فی البحر ... " (طه/۷۷) به معنای "اجعل" برای "اضرب" اشاره کرده‌اند. (طبرسی، ۱۳۷۲ش، ج ۷، ص ۳۹؛ فیض کاشانی، الصافی، ۱۴۱۵ق، ج ۳، ص ۳۱۳؛ ابن عاشور، ۱۶بی تا، ص ۱۵۶).
۷. البته اکثر مفسران معنای حایل شدن و فاصله انداختن را برای "فضر بینهم بسور ..." (حدید/۱۳) آورده‌اند. (از آنجایی که پس از "وضع سور" میان مؤمنین و منافقین حایل و جدایی ایجاد می‌شود به نظر می‌رسد معنای اصلی ضرب در این آیه همان "وضع" باشد.) (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۹، ص ۱۵۶؛ طبرسی، ۱۳۷۲ش، ج ۹، ص ۳۵۵؛ ابن عربی، ۱۴۲۲ق، ج ۲، ص ۳۲۰)
۸. اکثر مفسران به معنای "پایین آوردن و فروافکندن" برای "ضرب" در آیهی "و لیضربن بخرهن ..." (نور/۳۱) اشاره کرده‌اند. (کاشفی سبزواری، ۱۳۶۹ش، ج ۱، ص ۷۷۷؛ سمرقندی، بی تا، ج ۲، ص ۵۰۸؛ طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۵، ص ۱۱۲)
۹. البته اکثر مفسران "ضرب" در این آیه را به معنای آوردن مثال تفسیر کرده‌اند. (طبرسی، ۱۳۷۲ش، ج ۹، ص ۸۱؛ سید قطب، ۱۴۱۲ق، ج ۵، ص ۳۱۹۸؛ زمخشری، ۱۹۷۹، ج ۴، ص ۲۶۰)
۱۰. مفسران "ضرب ب..." در این آیه را به معنای زدن با عضروف، زبان و ... آورده‌اند.
۱۱. بعضی از مفسران به معنای "حرکت دادن" برای ضرب بارجل اشاره کرده‌اند. (مقاتل بن سلیمان، ۱۴۲۳ق، ج ۳، ص ۱۹۷).
۱۲. بعضی از مفسران هر دو معنای زدن با دست راست و سوگند خوردن اشاره کرده‌اند. (طوسی، بی تا، ج ۸، ص ۵۱۲؛ کاشفی سبزواری، ۱۳۶۹ش، ص ۱۰۰۳) بعضی دیگر از مفسران نیز "ضرباً" بالیمین را زدن با تبری که در دست راست بوده می‌دانند (حسینی، ۱۳۶۳ش، ج ۱۱، ص ۱۳۶).
۱۳. مفسرانی چون بیضاوی و مشهدی قمی "... و اضربوا منہم کل بنان" را "اقتعوا اطرافہم" معنا کرده‌اند. (مشهدی قمی، ۱۳۶۸ش، ج ۵، ص ۲۹۰؛ بیضاوی، ۱۴۱۸ق، ج ۳، ص ۵۲). لذا "ضرب" در این آیه قطع کردن و بریدن با شمشیر است و به معنای کتک‌زدن نیست.
۱۴. صادقی تهرانی "ضرب وجه" را روی آوردن و "ضرب ادبار" را روی گردانی می‌داند. (صادقی تهرانی، ۱۳۶۵ش، ج ۱۲، ص ۲۶۱)
۱۵. نتیجه کلی این بخش را این‌گونه می‌توان ارائه کرد که ضرب در قرآن به طور مطلق (بدون حرف اضافه) به معنای کتک‌زدن و یا زدن بدون وسیله‌ای مانند شمشیر و ... استعمال نشده است.
۱۶. اگر مراد از "ضرب" در این روایت زدن باشد باید آن را این‌گونه معنا کرد: "مردی از رسول خدا (ص) پرسید: از چه چیزی یتیم خود را بزخم؟ فرمود: از آنچه کودکان را می‌زنی. پرسید: آیا از مالش به من می‌رسد؟ فرمود: به معروف [به گونه‌ای که] نه از مال او توانگر شوی و نه مالش را با مالت نگه داری. (مال او را با مال خودت آمیخته نسازی)."
۱۷. هم‌چنین اگر "ضرب" در این روایت به معنای "زدن" استعمال شده باشد، استفاده از حرف اضافه‌ی "ب" منطقی‌تر به نظر می‌رسد. زیرا همان‌طور که در بخش‌های قبلی همین مقاله به آن اشاره شد، از آن جایی که "ضرب" به معنای "زدن" غالباً با حرف اضافه "ب" استعمال می‌شده و در هیچ یک از منابع ادبی و لغوی توجیهی برای حرف جر "من" در کنار ضرب وجود ندارد، کاربرد آن با حرف اضافه "من" به معنای زدن بعید به نظر می‌رسد.



## فهرست منابع

## ۱. قرآن کریم

۲. ابن بابویه (شیخ صدوق)، محمد بن علی، (۱۳۹۸ش)، **التوحید**، محقق حسینی، هاشم، جامعه مدرسین، قم، اول.
۳. ابن سکیت اهوازی، (۱۹۴۹م)، **اصلاح المنطق**، محقق: شاکر، احمد محمد، عبدالسلام، محمد هارون قاهره، دارالمعارف، چاپ چهارم.
۴. ابن فارس، احمد بن فارس، (۱۴۰۴ق)، **معجم مقاییس اللغة**، مکتب الاعلام الاسلامی، قم، چاپ اول.
۵. ابن عاشور، محمد بن طاهر، بی تا، **التحریر و التنویر**، بی جا، بی نا، بی جا.
۶. ابن عربی، محیی الدین محمد، (۱۴۲۲ق)، **تفسیر ابن عربی**، بیروت، دارالاحیاء التراث العربی، چاپ اول.
۷. ابن کثیر دمشقی، اسماعیل بن عمرو، (۱۴۱۹ق)، **تفسیر القرآن العظیم** (ابن کثیر)، بیروت، دارالکتب العلمیه منشورات محمد علی بیضون.
۸. ابن منظور، محمد بن مکرم، (۱۴۱۴ق)، **لسان العرب**، بیروت، دارصادر، چاپ سوم.
۹. انصاریان، حسین، (۱۳۸۳ق)، **ترجمه قرآن**، قم، انتشارات اسوه، چاپ اول.
۱۰. بستانی، فوادفرام، مهیار، رضا، (۱۳۷۵ش)، **فرهنگ ابجدی**، انتشارات اسلامی، تهران، دوم.
۱۱. بغدادی، علاء الدین علی بن محمد، (۱۴۱۵ق)، **لباب التأویل فی معانی التنزیل**، بیروت، دارالکتب العلمیه.
۱۲. بیضاوی، عبدالله بن عمر، (۱۴۱۸ق)، **انوار التنزیل**، بیروت، دارالاحیاء التراث العربی، چاپ اول.
۱۳. ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، (۱۴۱۸ق)، **جواهر الحسان فی تفسیر القرآن**، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
۱۴. ..... (بی تا)، **فقه اللغة**، محقق طلبه، جمال، بیروت، دار الکتب الاسلامیه، چاپ اول.
۱۵. ثعلبی، (۱۴۲۲ق)، **ابو اسحاق، الكشف و البیان عن تفسیر القرآن**، بیروت، دارالاحیاء التراث العربی، چاپ اول.
۱۶. جرجانی، ابوالمحاسن حسین بن حسن، (۱۳۷۷ش)، **جلاء الاذهان و جلاء الاحزان**، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
۱۷. حائری تهرانی، میرسیدعلی، (۱۳۷۷ش)، **مقتنیات الدرر**، تهران، دار الکتب الاسلامیه.
۱۸. حسینی شاه عبدالعظیمی، حسین بن احمد، (۱۳۶۳ش)، **تفسیر اثنا عشری**، میقات، تهران، اول.
۱۹. حقی بروسوی، اسماعیل، بی تا، **روح البیان**، بیروت، دارالفکر، بی جا.
۲۰. راغب اصفهانی، (۱۴۱۲ق)، **مفردات**، بیروت، دارالعلم، چاپ اول.
۲۱. روبینز، آراچ، (۱۳۸۴ش)، **تاریخ مختصر زبان شناسی**، ترجمه: علی محمد حق شناس، تهران، بی نا.
۲۲. زمخشری، محمود، (۱۹۷۹م)، **کشاف**، بیروت، دارالکتب العربی، چاپ سوم.
۲۳. سمرقندی، نصر بن محمد بن احمد، بی تا، **بحر العلوم**، بی جا، بی جا.
۲۴. سید قطب، (۱۴۱۲ق)، **فی ظلال القرآن**، بیروت، دارالشروق، چاپ هفدهم.
۲۵. سیوطی، جلال الدین، (۱۴۰۴ق)، **الدر المنثور فی تفسیر القرآن بالمأثور**، قم، کتابخانه آیتاله مرعشی نجفی.
۲۶. شبیبانی، محمد بن حسن، (۱۴۱۳ق)، **نهج البیان**، عن کشف معانی القرآن، تهران، بنیاد دائره المعارف اسلامی.
۲۷. صاحب بن عباد، اسماعیل بن عباد، (۱۴۱۴ق)، **المحیط فی اللغة**، محقق آل یاسین، محمدحسن، عالم الکتب، بیروت، اول.
۲۸. صادقی تهرانی، محمد، (۱۳۶۵ش)، **الفرقان فی تفسیر القرآن بالقرآن**، قم، انتشارات فرهنگ اسلامی.

۲۹. صفوی، کوروش، (۱۳۹۱ش)، *آشنایی با معنی شناسی*، تهران، نشر پژواک کیوان.
۳۰. طباطبایی، محمدحسین، (۱۴۱۷ق)، *المیزان*، قم، دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ پنجم.
۳۱. طبرسی، ابوعلی، (۱۳۷۲ش)، *مجمع البیان*، تهران، انتشارات ناصر خسرو، چاپ سوم.
۳۲. طوسی، محمدبن حسن، بی تا، *التبیان فی تفسیر القرآن*، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، بی جا.
۳۳. فراهیدی، خلیل بن احمد، (۱۴۰۹ق)، *کتاب العین*، قم، نشر هجرت، چاپ دوم.
۳۴. فیض کاشانی، مولی محسن، (۱۴۱۵ق)، *الصافی*، تهران، انتشارات صدر، چاپ دوم.
۳۵. .... (۱۴۰۶ق)، *الوافی*، اصفهان، کتابخانه امام امیرالمومنین(ع)، چاپ اول.
۳۶. فیومی، احمد بن محمد، (۱۴۱۴ق)، *مصباح المنیر فی غریب الشرح الکبیر*، دارالهجره، دوم.
۳۷. قرشی، علی اکبر، (۱۴۱۲ق)، *قاموس قرآن*، تهران، دار الکتب الاسلامیه، چاپ ششم.
۳۸. قمی، علی بن ابراهیم، (۱۳۶۷ش)، *تفسیر قمی*، محقق موسوی جزایری، قم، دارالکتاب، چاپ چهارم.
۳۹. کاشانی، ملا فتح الله، (۱۳۳۶ش)، *منهج الصادقین فی لزام المخالفین*، تهران، کتابفروشی محمد حسن علمی، بی جا.
۴۰. کاشفی سبزواری، حسین بن علی، (۱۳۶۹ش)، *مواهب علیه*، تهران، سازمان انتشارات اقبال، بی جا.
۴۱. محلی، جلال الدین، سیوطی، جلال الدین، (۱۴۱۶ق)، *تفسیر الجلالین*، بیروت، موسسه النور للمطبوعات، چاپ اول.
۴۲. مشهدی قمی، محمدبن محمدرضا، (۱۳۶۸ش)، *کنز الدقائق و بحر الغرائب*، تهران، سازمان چاپ و انتشارات وزارت ارشاد، چاپ اول.
۴۳. مفید، محمد بن محمد، (۱۴۱۳ق)، *الاختصاص*، محقق غفاری، علی اکبر، محرمی زرنندی، محمود، الموتر العالمی لالفیه الشیخ مفید، قم، چاپ اول.
۴۴. .... بی تا، *اوائل المقالات*، تحقیق انصاری، ابراهیم، موسسه تحقیقات و نشر معارف اهل البیت (ع).
۴۵. مظهری، محمد بن ثناء الله، (۱۴۱۲ق)، *التفسیر المظهری*، محقق تونسسی، غلام نبی، پاکستان، مکتبه رشديه، بی جا.
۴۶. مقاتل بن سلیمان بلخی، (۱۴۲۳ق)، *تفسیر مقاتل بن سلیمان*، بیروت، دارالاحیاء التراث العربی، چاپ اول.

# SID



سرویس های  
ویژه



سرویس ترجمه  
تخصصی



کارگاه های  
آموزشی



بلاگ  
مرکز اطلاعات علمی

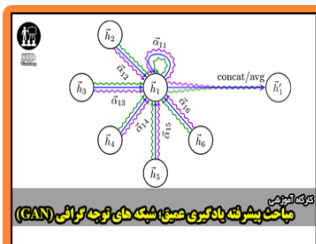


عضویت در  
خبرنامه



فیلم های  
آموزشی

## کارگاه های آموزشی مرکز اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی



مباحث پیشرفته یادگیری عمیق؛  
شبکه های توجه گرافی  
(Graph Attention Networks)



کارگاه آنلاین آموزش استفاده از  
وب آوساینس



کارگاه آنلاین مقاله روزمره انگلیسی